

دلیل دوم «عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص»: علم اجمالی

۱. قبل از طرح دلیل لازم است اشاره کنیم که مرحوم آخوند گفته بود که بحث (آیا فحص از مخصص لازم است) در جایی مطرح است که علم اجمالی و علم تفصیلی به وجود مخصص نداشته باشیم. و این دلیل از این موضوع خارج است چرا که ثابت می‌کند که همه جا علم اجمالی به مخصص داریم. اللهم الا ان يقال: مراد مرحوم آخوند علم اجمالی در بین چند عام معین است، در حالیکه بحث در این دلیل، مبتنی بر علم اجمالی در همه عمومات است.
۲. مرحوم شیخ انصاری برای اینکه ثابت کند نمی‌توان قبل از فحص به عام مراجعه کرد، به علم اجمالی تمسک می‌کند:

«أنّ العلم الإجمالي بورود معارضات كثيرة بين الأمارات الشرعية التي بأيدينا اليوم حاصل لمن لاحظ الكتب الفقهية و استشعر اختلاف الأخبار، و المنكر إنّما ينكره باللسان و قلبه مطمئن بالإيمان بذلك، و لا يمكن إجراء الاصول في أطراف العلم الإجمالي - كما قرّرنا في محلّه - فيسقط العمومات عن الحجية، للعلم بتخصيصها إجمالاً عند عدم الفحص. و أمّا بعد الفحص فيستكشف الواقع و يعلم أطراف الشبهة تفصيلاً بواسطة الفحص»^۱

توضیح:

۱. می‌دانیم که فی الجمله در کتاب‌های روایی معارض‌های فراوانی برای هر دلیل وجود دارد.
۲. و در اطراف علم اجمالی اصل عدم فحص را نمی‌توان جاری دانست
۳. پس عمومات از حجیت می‌افتند چرا که علم اجمالی داریم که فی الجمله برخی از آنها تخصیص خورده اند.

۴. البته بعد از فحص و یأس از مخصص، معلوم می‌شود که این عام از زمره اطراف علم اجمالی نیست (اطراف شبهه به طور معین معلوم می‌شود)

مرحوم شیخ در ادامه توجه می‌دهند که علم اجمالی در ما نحن فیه، به آن است که می‌دانیم در میان اخبار و ادله‌ای که در اختیار ما هست، مخصص‌هایی برای عام‌ها وجود دارد و مراد احتمال وجود مخصص واقعی که عمومات را فی الواقع و در لوح محفوظ تخصیص زده است نمی‌باشد، چرا که احتمال مذکور مقرون به علم اجمالی نیست. و می‌توان آن را با اصل عدم رفع کرد.

«إنّ العمومات التي بأيدينا اليوم في الأخبار يحتمل تخصيصها من جهتين:

^۱. مطارح الانظار، ج ۲، ص ۱۶۸



إحداهما: من حيث علمنا الإجمالى بوجود مخصّصات لها فى الأخبار التى يمكن الوصول إليها فى زماننا، و غيرها من الأمارات الظنية على تقدير القول بها.

و ثانيتهما: من حيث احتمال ورود التخصيص عليه فى الواقع مع عدم وصوله إلينا أيضا. و الاحتمال الثانى بدئىّ يعمل فى دفعه أصالة عدم التخصيص من دون معارض، و الاحتمال الأوّل بعد الفحص يستكشف واقعه و يعلم أنّه من العمومات التى خصّصت أو من غيرها، إذ المفروض دعوى العلم الإجمالى فيما هو بأيدينا و ما يمكن لنا الوصول إليها من المخصّصات»^١

ما مى گوئيم:

١. همين مطلب كه اخيراً از مرحوم شيخ نقل كرديم، پاسخ اصلى است به اشكالى كه بر اين دليل وارد شده است. حضرت امام اشكال و جواب آن را چنين مورد اشاره قرار مى دهند:

«و قد استشكل عليه تارة: بأنّ الدليل أعمّ من المدعى، لأنّ الفحص اللازم فى الكتب التى بأيدينا لا يرفع أثر العلم، لكونه متعلّقاً بالمخصّصات فى الشريعة، لا فى الكتب فقط، فلا بدّ من الاحتياط حتّى بعد الفحص ... فأجابوا عن الأوّل: بأنّ العلم الإجمالى لا يتعلّق إلّا بما فى الكتب التى بأيدينا دون غيرها.

و هذه الدعوى قريبة، فإنّ العلم بالمخصّصات الصالحة للاحتجاج وجدانىّ بالنسبة إلى الكتب التى بأيدينا، و أمّا فى غيرها فلا علم لنا بوجود أصول مفقودة ضائعة، فضلا عن العلم باشتغالها على المخصّصات الكذائية، و فضلا عن كونها غير ما فى الكتب الموجودة، و إنّما ادّعى بعض فقدان بعض الأصول على نحو الإجمال، و مثله لا يورث علما بأصلها، فضلا عن مشتملاتها.»^٢



١. همان، ص ١٦٩

٢. مناهج الوصول، ج ٢، ص ٢٧٧